

عنوان مقاله:

مولفه ها و عناصر پیدارگر شعر بهار در مقابله با سیطره ی استبداد

محل انتشار:

تاریخ نگری و تاریخ نگاری، دوره 19، شماره 3 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

محمدرضا علم - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز

میثم صاحب - کارشناس ارشد تاریخ

خلاصه مقاله:

ادبیات مشروطه بخشی از ادبیات غنی و پربار ایران است که در دوره ای شکل گرفت که اوضاع سیاسی اجتماعی، ساخت طبقاتی و بافت سنتی جامعه در حال تغییر بود. آنچه موجب تسریع این تحول در سطح کشور می شد، شعرها و اعمال مشروطه خواهان و روشنفکرانی بود که به صورت نظری و عملی در حوادث نقش مهمی داشتند و شعرهایشان که به زبان بسیار ساده و عامه پسند سروده می شد، زبانزد مردم کوچه و بازار بود. در میان این مشروطه خواهان و نواندیشان، ملک الشعرای بهار جایگاه ویژه ای داشت و شعرهایش بازتاب دهنده ی تحول زمان و نبوغ و آگاهی فراوان وی درباره ی شعر فارسی بود. نبوغی که عناصر بیدارگرانه ای همچون وطن، استبدادستیزی، آزادی خواهی، حکومت قانون، استعمارستیزی، آزادی خواهی، حکوت قانون، استعمارستیزی، و حتی اسلام را به قالب های شعری کهن درآورد و موجب بیداری و روشنفکری جامعه ی زمان خود می شد. در این مقاله تلاش می شود عناصر بیدادگر و هویت ساز شعر ملک الشعرای بهار، و انگیزه ای او از سرودن این شعرها، و نیز تاثیر آن ها بر جامعه تبیین شود

کلمات کلیدی:

بھار (ملک الشعراء) ادبیات سیاسی، وطن، مشروطہ، استبداد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/864156>

